

آخرالزمان از دیدگاه صهیونیسم مسیحیت

حسینعلی قاسم‌زاده*

چکیده: آخرالزمان، به مفهوم پایان تاریخ، موضوعی است که در همه مکاتب و ادیان از آن بحث می‌شود. بعضی از مکاتب، خصوصاً فرقه‌های مذهبی، از آن برای مقاصد خود استفاده‌های سیاسی کرده‌اند. یکی از آن فرقه‌های مذهبی فرقه ضالّه صهیونیسم مسیحیت است که از نظر اقتصادی با بودجه میلیاردی امریکا و هم‌پیمانانش حمایت می‌شود. این فرقه با طرح نمایی ظهور عیسی در اورشلیم، برگزیده بودن قوم یهود از طرف خداوند، ترسیم ارض موعود از نیل هرات و طرح خاورمیانه بزرگ برای اجتماع مسیحیان و یهودیان جهان در بهره‌کشی بشریت به نفع خود کوشیده‌اند. در این مقاله به ابعاد فکری این فرقه پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: آخرالزمان، صهیونیسم، مسیحیت، امریکا، اسرائیل.

طرح مسئله

در اناجیل اربعه، که از کتب مقدّس مسیحیان است، خبرهایی از آینده آمده است (ـیوحنا، باب ۱۵، آیه ۲۶، ۲۷؛ باب ۱۶، آیه ۷ تا ۱۶؛ لوقا، باب ۱۲، آیه ۳۵، ۳۶؛ باب ۲۱، آیه ۵-۳۶؛ مرقس، باب ۱۳، آیه ۲۱-۳۷؛ متی، باب ۲۴؛ آیه ۲۵-۳۳). هم‌چنان‌که در تورات، یعنی کتب مقدس یهودیان، خبرهایی از آینده وجود دارد (ـسفر پیدایش، فصل ۱۶، آیه ۹؛ فصل ۱۷، آیه ۱۸، ۲۰؛ فصل ۱۳، آیه ۱۴، ۱۵ و آیات دیگر). خبرهایی که در تورات آمد، به نوعی، تصریح به تسلط فرزندان اسرائیل بر تمام زمین دارند، چنان‌که در بشارت خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است:

زیرا تمام این زمین را که می بینی به تو و ذریت تو تا به ابد خواهم بخشید و ذریت تو را مانند غبار زمین گردانم، چنان‌که اگر کسی غبار زمین را تواند شمرد ذریت تو نیز شمرده شود، برخیز و در طول و عرض زمین گردش کن زیرا که آن را به تو خواهم داد (سفر پیدایش، آیه ۱۵-۱۷).

رهبران دینی با این‌گونه بشارتها در متون مقدس و کتب آسمانی که در نزد پیروان آنها پیام قطعی الوقوع خداوند متعال است مردم را امیدوار به حل مشکلات می‌کنند و در دعوت به دین و پایبندی آنان به دستورات رهبران دینی بهره می‌برند. مردم نیز در انتظار به‌سرآمدن مشکلات و دشواری‌های زندگی دل به این پیام‌ها خوش می‌کنند و از آنها در زندگی خود استفاده می‌کنند و امیدوار به رفع تبعیض‌ها و برقراری عدالت و تساوی و زوال رنج و مشقت و نجات بشریت از آوارگی و ذلت و ظهور آرامش و امنیت عمومی هستند.

آنان انتظار تحقق وعده‌های الهی را می‌کشند، اما داستان تنها به انتظار ختم می‌شود. در این اثنا، گروهی از یهودیان برخاستند و با طرح تحقق وعده‌های الهی برنامه‌های سیاسی و نظامی را طراحی کرده و دستیابی بر زمین و سلطه بر آن را هدف قرار داده‌اند و حزب صهیونیسم را پایه‌گذاری کرده‌اند و برای رسیدن به سلطه بر زمین هر کاری را برای خودشان مجاز دانسته‌اند. شاخه‌هایی از مسیحیت نیز با تأثیرپذیری از برنامه‌ها و ایده‌های صهیونیسم به ایده‌های آنها پیوست و با همدستی با صهیونیسم برای برقراری سلطه بر زمین برنامه‌ریزی کرده‌اند که ایده‌های نظم واحد جهانی، جهانی شدن و امثال آن در مسیر تحقق همان ایده‌هاست.

بر این اساس، سؤالی که در این مبحث قابل طرح است اینکه «صهیونیسم مسیحیت» چیست؟ چه

نگرشی به آینده و آخرالزمان دارد؟ برای رسیدن به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خودش چه برنامه‌ای را در پیش گرفته است؟ چه مقدار در ارائه نگرهای خودش از اعتقادات دینی تأثیر پذیرفته است؟ از اعتقادات دینی چه بهره‌برداری‌هایی می‌کند؟ تأثیر نگرش آنها بر سیاست و اقتصاد بین‌المللی چیست؟

اهمیت مسئله

بی‌تردید نوع رفتار و سیاستی که صهیونیسم مسیحیت در پیش می‌گیرد تأثیر بین‌المللی بسیاری دارد. این تأثیر تنها به جنبه سیاسی و اقتصادی محدود می‌شود، بلکه در اعتقادات عمومی و جهانی تأثیر می‌گذارد و آنها را نیز دربرمی‌گیرد. روابط بین‌المللی و همزیستی جهانی در تأثیر آن قرار می‌گیرد و جهانیان وادار به واکنش می‌شوند، مکاتب مختلف فکری، فلسفی در خدمت عملکرد آنها قرار می‌گیرند یا به مقابله با آن برمی‌خیزند. لذا پاسخ به آن سؤالات، مخصوصاً سؤالاتی که به ریشه‌های دینی مسئله توجه داده است، اهمیت خاصی دارد؛ برای اینکه اگر رفتارها و برنامه‌ها جنبه دینی پیدا کند نه تنها با قداست می‌یابد، بلکه افرادی که در آن برنامه‌ها وارد می‌شوند با داشتن انگیزه‌های قدسی و معنوی هر اقدامی را نیل به رستگاری می‌شمارند و در راه رسیدن به آن فداکاری می‌کند. پس ضرورت دارد به این مسئله پرداخته شود.

فرضیه تحقیق

در این تحقیق فرض بر این است که صهیونیسم یهودی با الهام‌گیری از متون دینی و کتب مقدس مبنی بر اینکه سلطه بر تمامیت زمین و حکومت جهانی حق الهی و شرعی پیروان تورات است؛ صهیونیسم مسیحیت نیز با الهام‌گیری از اندیشه صهیونیسم یهودی، همدستی با یهودیان پیرو حزب صهیون را برای جهان‌خواری و سلطه بر تمام زمین و به‌دست آوردن حکومت جهانی در برنامه قرار داده است و صهیونیسم مسیحیت برنامه‌ای برای برقراری حکومت جهانی با رهبری امریکاست و همه برنامه‌های خودشان را مستند به آورده‌های دینی و بشارت‌های الهی کرده و آنها را با دین توجیه کرده‌اند تا عموم مردم آن را باور کنند و راه موفقیت را تسهیل سازند.

مقدمه

مسئله آخرالزمان و سرنوشت انسان‌ها، یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین مسائل در طول تاریخ بوده است. ادیان الهی و مکاتب بشری نتایج متفاوتی را برای آخرالزمان تبیین کرده‌اند. این نظریات، به طور کلی، پایان دنیا را خیر یا شر معرفی می‌کنند. مسئله صهیونیزم مسیحی در این میان بسیار مهم است. دلیل آن نیز تسلط آنها بر منابع سیاسی و اقتصادی جهان در کشورهای امریکا و انگلیس است. در این مقاله، می‌کوشیم با بررسی کلی این نظریه، راهی را برای پیش‌بینی اعمال دولت‌های یادشده فراهم آوریم.

صهیونیسم و تاریخچه آن:

صهیون چهار معنای لغوی، جغرافیایی، دینی و سیاسی دارد؛ صهیون در عبری، به معنای پر آفتاب و نیز نام کوهی در جنوب غربی بیت‌المقدس است که زادگاه داود نبی و جایگاه سلیمان پیامبر بود. البته گاهی این واژه نزد یهودیان به معنای شهر قدس، شهر برگزیده خداوند و شهر مقدس آسمانی به کار می‌رود و، به طور اعم، به سرزمین مقدس صهیون گفته می‌شود. ولی در متون دینی یهود صهیون اشاره به آرمان و آرزوی ملت یهود برای بازگشت به سرزمین داود و سلیمان و تجدید دولت یهود دارد. (المسیری، ۱۳۷۴: ۸)

درباب شکل‌گیری صهیونیسم جهانی آنچه که در کتاب‌ها گفته می‌شود این است که فردی به نام تئودور هرتزل بنیانگذار صهیونیسم جهانی بوده و در اولین کنگره که در شهر بال سوئیس در سال ۱۹۸۷ تشکیل شده، صهیونیسم جهانی را سازمان‌دهی کرده است. اما قول صحیح‌تر این است که در حدود ۳۰ الی ۴۰ سال قبل از او فردی به نام بنکسر، که فردی روسی و یهودی بوده است، جمعیتی را درست می‌کند به نام دوستداران صهیون که اشاره دارد بر همان کوه صهیون مشرف بر شهر قدس و بیت‌المقدس. احتمالاً او نظرش این بوده است که نخست یهودیان را در جامعه روسیه ادغام بکند و سپس آنها را از روسیه به فلسطین ببرد.

هرتزل بعد از بنکسر، بدون اینکه اشاره به افکار او داشته باشد، در سال ۱۸۹۰ کتابی نوشت به نام دولت یهود و در سال ۱۸۹۷ کنگره‌ای در بال سوئیس تشکیل داد. در آن کنگره ۳۴۰ نفر از سران یهود،

از کشورهای مختلف که بیشتر از آلمان و روسیه و چکسلواکی بودند، بعد از مدتی بحث و گفتگو و تصمیم گرفتند که سازمانی درست کنند به نام «صهیونیسم جهانی». این سازمان باید ۳ کار برای یهود انجام می‌داد: هویت ملی و تأسیس ملت؛ پیدا کردن موطن؛ پایه‌گذاری دولت.

از سال ۱۸۹۷ تا ۱۹۴۸ که دولت اسرائیل رسماً اعلام شد و بعد از آن هم این کنگره ادامه داشت، چیزی در حدود ۳۰ کنگره تشکیل شده‌است؛ اولین مسئله‌ای که در این کنگره مطرح کردند مسئله تشکیل سازمان جهانی صهیونیسم بود. در کنگره بعدی هم درباره تأسیس صندوق ملی یهود اتفاق نظر کردند و گفتند در این صندوق، مسائل پولی و مالی مشخص شود و این امر پشتیبانی باشد برای تمام فعالیت‌های بعدی.

در کنگره سوم و چهارم تقریباً نوعی از ملیت یهود را روی کاغذ آوردند. در کنگره چهارم اختلاف اساسی بین دو نظر بود؛ یک نظر اینکه آن وطن اوگاندا باشد و نظر دیگر اینکه آن وطن فلسطین باشد. آنچه در تاریخ نقل شده این است که انگلیسی‌ها نظرشان بر اوگاندا بوده اما یهودیان روس و امریکا و لهستان بیشتر نظرشان بر فلسطین بوده است. به هر حال تصمیم گرفته شد که هیأت‌هایی فرستاده شود و تعداد یهودیان کشورهای مورد نظر، به ویژه فلسطین و اوگاندا و جاهای دیگر مثل افریقای جنوبی و آرژانتین، را بررسی کنند و اینکه موقعیت آن مناطق برای اسکان چگونه است.

این هیأت‌ها برای کنگره‌های بعدی گزارش آوردند و متأسفانه در کنگره ششم، که اوایل قرن بیستم بود، تصمیم گرفتند که آن وطن فلسطین باشد. یک گروه مأمور شدند که به فلسطین بروند و در آنجا فعالیت کنند و زمینه‌های لازم و تمهیداتی را برای یهودیان فراهم کنند.

فعالیتی هم خارج از فلسطین برای پی‌گیری مبحث یهودی‌ها، حدوداً از کنگره هشتم و نهم، در رابطه با سازمان صهیونیسم جهانی جریان داشته است. در این فعالیت‌ها این پرسش وجود دارد که آیا ما به یک شکل مستقل همه این شعارها و افکارمان را دنبال کنیم یا اینکه به کمک قدرت‌های بزرگ طرح‌ها را به پیش ببریم.

این اختلاف در یکی از دو کنگره مطرح بود و نهایتاً با توجه به افراد ذی نفوذ که با قدرت بریتانیا همکاری داشتند، این فکر تقویت شد که یهودیان بدون کمک بریتانیا نمی‌توانند این کار را انجام دهند و، سرانجام، در کنگره هشتم تصویب شد که با همکاری بریتانیا و سایر کشورهای بزرگ این اهداف

دنبال گردد.

بحث‌های دیگری که در کنگره‌های بعدی مطرح شد این بود که وقتی دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تشکیل می‌شود، آیا سازمان صهیونیسم جهانی باید مأموریتش تمام بشود، یا اینکه باقی بماند؟ نهایتاً در آنجا تصویب شد که سازمان جهانی صهیونیسم و آژانس بین‌المللی یهود، که در امریکا مستقر است، به عنوان پشتیبان و مادر دولت اسرائیل باقی بماند و فعالیت‌های خودش را دنبال کند و رژیم صهیونیستی هم در فلسطین کار خود را انجام دهد. این توافق در دهه ۴۰ قرن بیستم حاصل شد. در سال‌های دهه ۵۰ تصویب شد که سازمان صهیونیسم جهانی یک مأموریت جهانی داشته باشد و دولت اسرائیل هم یک مأموریت منطقه‌ای؛ در واقع به این شکل تقسیم کار شد که رژیم صهیونیستی، مانند یک نیروی عمل‌کننده، یک لشکر از یک ستاد به منطقه اعزام شود تا افکار و نظرات خودشان را در آن منطقه تعقیب کنند و آن ستاد اصلی یا همان آژانس بین‌المللی یهود هم در امریکا مستقر بماند. آنها منافع امریکا را هم بر عهده دارند و سازمان جهانی صهیونیسم، در امریکا، نقش جهانی دارد؛ یعنی منافع یهودی‌ها را در کل عالم دنبال می‌کند.

صهیونیسم دینی و فرهنگی یا مسیحیت صهیونیسم

پیروان این اندیشه، گروهی یهودی‌اند (صهیونیست یهودی) و شماری عیسوی‌اند (صهیونیست مسیحی). و در عوض صهیونیسم، که منسوب به صهیون و مشتق از آن است، به نهضتی گفته می‌شود که خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین (ارض موعود) و تشکیل دولت یهود است. در این نوع از صهیونیسم، که آن را صهیونیسم لائیک می‌نامند، کسانی جای دارند که با تکیه بر استدلال‌های تاریخی، سیاسی و علمی، بر اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می‌بخشند. واژه صهیونیسم، نخستین بار، توسط تئودور هرتزل به کار رفت و بعد ناحوم ساکولو، مورخ صهیونیستی، آن را در کتاب تاریخ صهیونیسم به کار برد. (سرجور)

صهیونیسم مسیحی را با عبارت «حمایت مسیحیان از صهیونیسم» تعریف می‌کنند. البته گفته شده که یک جنبش قومی است که برای بازگشت ملت یهود به فلسطین و حاکمیت شان بر زمین تلاش

صهیونیست‌های مسیحی خود را مدافع ملت یهود، به ویژه «دولت اسرائیل» می‌دانند. ضمناً حمایتی که از آن سخن گفتیم، شامل مخالفت و دشمنی با تمام کسانی می‌شود که از اسرائیل انتقاد می‌کنند.

والتر ریگنز، دبیر کل «سفارت بین‌المللی مسیحیت» که یکی از مدرن‌ترین و خطرناک‌ترین نهادهای صهیونیستی است و مرکز آن در قدس قرار دارد، به شیوه‌ای سیاسی اصطلاح صهیونیسم مسیحی را تعریف می‌کند و می‌گوید: «این واژه بر هر مسیحی که از اهداف صهیونیستی حکومت، ارتش، دولت و فرهنگ اسرائیل حمایت می‌کند، اطلاق می‌شود.»

گری فالویل، از کشیش‌های مسیحی و بنیان‌گذار جمعیت فعالیت‌های سیاسی اصول‌گرایانه موسوم به «اکثریت اخلاقی» که سال‌هاست دین اسلام را به تروریستی بودن متهم می‌کند، می‌گوید: «هر کس که به کتاب مقدس ایمان داشته باشد، می‌بیند که مسیحیت و دولت جدید اسرائیل پیوندی جدانشدنی دارند. بی‌گمان تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، در نگاه هر مسیحی که به کتاب مقدس ایمان دارد، تحقق پیش‌گویی‌های موجود در دو کتاب عهد قدیم و جدید است.»

باید یادآوری کرد که بر اساس بیانیه کمیته اجرایی شورای کلیساهای خاورمیانه، که در آوریل ۱۹۸۶ صادر شد، صهیونیسم مسیحی عبارت است از یک تراژدی و فاجعه در استفاده از کتاب مقدس، سوءاستفاده از احساسات دینی در راستای تلاش برای تقدس بخشیدن به جریان تأسیس یک دولت و گسترش سیاست‌های یک حکومت خاص. پس صهیونیسم مسیحی هیچ جایگاهی در خاورمیانه ندارد و باید از سوی کلیسای بین‌المللی نیز طرد شود. صهیونیسم مسیحی در واقع انحراف از ایمان حقیقی به مسیحیت و دفاع از برنامه‌های سیاسی و قومی خاصی است که یهود را نژاد برتر می‌داند. یکی از رهبران کلیسای انجیلی می‌گوید: «آنها هیچ توجهی به مسیح ندارند.»

یک کشیش فلسطینی درباب صهیونیست‌های مسیحی می‌گوید: «آنها تنها ابزار ویران‌گری و تخریب هستند و به هیچ وجه اهمیتی به مسیحیان اصیل فلسطین نمی‌دهند.»

تاریخچه اجمالی صهیونیسم مسیحیت

مسیحیت صهیونیستی با آغاز پروتستانیزم در اروپا، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین انحرافات در دین

مسیحیت، ظهور کرد. مارتین لوتر در زمان زندگی خود بسیار تحت‌تأثیر عهد قدیم (تورات) بود. وی یکی از بنیانگذاران مسیحیت صهیون است. رویکرد کلی این گروه در سیاست‌های امریکا بسیار مؤثر است.

چهار رویکرد مهم این فرقه عبارت‌اند از: ۱. احساس برگزیدگی الهی: آنها معتقدند خداوند آنها را برگزیده تا همه انسانها را نجات دهند و راه نجات آنها از بلاهای آخرالزمان پیروی از مسیحیت است؛ ۲. احساس عمیق نسبت به اینکه اکنون در آستانه آخرالزمان هستیم: از سال ۱۹۱۶ رؤسای جمهور امریکا با این مفهوم آشنا شدند و به آن معتقد شدند. اولین رئیس جمهور که به این مفهوم ایمان آورد، ویلسون بود. رؤسای جمهور دیگر نیز، به صورت جدی، در پی آن بودند. معروف است که می‌گویند آرزوی ریگان این بود که آغازگر جنگ آرماگدون باشد؛ ۳. اقلیم‌گرایی جنوبی میان مذهب محافظه‌کار و سیاست محافظه‌کار؛ ۴. تنها راه فهم و درک کامل و مطلق، در بنیادگرایی است و دیگران در این باب در اشتباه‌اند.

سه رویکرد نخست در سیاست‌های امریکا کاملاً مشهود است.

هزاره‌گرایی یا آخرالزمان در نگاه صهیونیسم مسیحیت

صهیونیسم مسیحی یک ایدئولوژی دینی سیاسی با تاریخچه تقریباً جدیدی است که ریشه‌هایش را باید در قرن اول ظهور مسیحیت و در یک جریان موسوم به هزاره (Millenarianism) جستجو کرد. هزاره یک اعتقاد دینی است که در محافل مسیحی، که اصالتی یهودی داشتند، مجال ظهور یافت. «هزاره» نشأت گرفته از یک باور یهودی به نام «المشیحیا» و تفسیر لفظی آن چیزی است که در سفر رؤیای یوحنا (۶-۳/۲۰) آمده است: «حضرت مسیح به این دنیا برمی‌گردد در حالی که قدیس‌ها در اطراف او حلقه زده‌اند تا اینکه هزار سال بر روی زمین حکومت کند.»

شاید ادعای نبوت مونتائوس در سال ۱۷۲، تعبیری آشکار از نتایج عملی جنبش هزاره باشد. مونتائوس معتقد بود که حیات معنوی و اخلاقی مردان کلیسا، به سبب تأثیر جهان فاسد اطراف، رو به انحطاط گذارده‌است و، از این رو، برای آنکه آن را به دوران اولیه مسیحیت بازگرداند، مدعی شد پیامبر جدیدی است که خداوند مبعوث کرده است. بعد از آن نیز نوید حضور در اورشلیم، ظهور حضرت

مسیح در «آسیای صغیر» و تأسیس دولتی با دوام هزار ساله را به مردم داد.

جنبش هزاره فراز و نشیب زیادی را طی کرد. مؤمنان به هزاره در قرون وسطی، اندیشه‌های مسیحی را، که به دور از ایمان حقیقی بود، برای خود انتخاب کردند و موضعی مخالف را در مقابل کلیسای رم، پاپ اعظم و کاتولیک‌ها برگزیدند و از پایان قرن یازدهم تعداد زیادی از این مؤمنان به هزاره تحت لوای حملات صلیبی حاضر شدند؛ ولی تا قرن هفده، جنبش هزاره که معتقد به بازگشت دوباره مسیح و حکومت هزار ساله‌اش بر روی زمین بود، هیچ صبغه یهودی، که به بازگشت یهودیان به فلسطین تأکید داشته باشد، نداشت. (www.Bashgah ←)

هزاره‌گرایی یکی از مسائل مهم در تاریخ و حوادث مربوط به آن بوده است. این تفکر بر این اساس استوار است که در ابتدای هر هزاره اتفاق مهمی رخ خواهد داد. مجدد الف سنه یکی از مهم‌ترین آثار مسلمانان در این باره است. مسیحیان نیز به این تفکر معتقدند. آن‌ها می‌گویند جنگ آرماگدون در ابتدای هزاره سوم، یعنی تا سال ۲۰۲۶، رخ خواهد داد. (شیرودی). به نظر «هزاره باورها»، نابودی جهان به هیچ وجه باعث نگرانی نیست چرا که بستر را برای ظهور دوباره مسیح آماده می‌کند، ولی قبل از ظهور ایشان برخی حوادث باید رخ دهد که نشانه آخرالزمان به شمار می‌رود؛ جمله بازگشت یهودیان، شکل‌گیری مجدد دولت اسرائیل، ظهور مسیح دجال و به راه افتادن موجی از خشونت و درگیری در جهان.

به نظر جماعت یاد شده، تمامی این مسائل با جنگ «آرماگدون» به اوج خود می‌رسد. آرماگدون روستایی است که نام آن در سفر رؤیای یوحنا آمده است. در این روستا که در شمال قدس قرار دارد، جنگ میان حق و باطل، که شمار زیادی از ملت‌ها نیز در آن شرکت خواهند کرد، درخواهد گرفت و در لحظه‌ای که جهان در آستانه نابودی است، حضرت مسیح ظهور خواهد کرد. نکته مهمی که در این میان وجود دارد، آن است که از سلاح هسته‌ای به عنوان ابزاری برای تحقق مقاصد الهی یاد می‌شود و، با توجه به اینکه هزاره باوران خاورمیانه را عرصه جنگ آخرالزمان می‌دانند، تمایل برای تفسیر حوادث جاری در سیاست از نقطه نظر «پایان جهان» امری مشروع و بلکه ضروری است. (www.bashgah ←)

آرماگدون واژه ای عبری و به معنای تپه شریفان و آن تپه بزرگی است که در شمال فلسطین واقع شده است. اعضای جنبش تدبیری ایمان دارند که وظیفه مهم آنان فراهم کردن مقدمات ظهور حضرت

مسیح(ع) است. لذا برای نیل بدین مقصود، تضعیف نظامی اعراب (مسلمانان) و حمایت مالی، سیاسی و نظامی، تقویت فن‌آوری هسته‌ای اسرائیل را از جمله وظایف خود می‌دانند. اعضای این جنبش معتقدند حق الهی، قانونی و تاریخی یهودیان است که به سرزمین اسرائیل (فلسطین) بازگردند و خداوند با ملت‌هایی که با اسرائیل همکاری کنند کمک خواهد کرد. لذا مواجه و رویارویی با اسرائیل یعنی مقابله با خدا و این مفهوم سخنانی است که روه‌ر حسیون سناتور کنگره آمریکا در سال ۱۹۸۱ در نشست صهیونیست‌ها اظهار کرد: «آمریکا به این خاطر با برکت است که ما یهودیان پناهنده به کشورمان را پذیرفتیم و به آنان احترام می‌گذاریم و از اسرائیل دفاع می‌کنیم زیرا ما به حق اسرائیل در سرزمین(فلسطین) اعتراف کردیم».

اکنون این اعتقادات در نظر مردم آمریکا مخصوصاً راست‌گرایان دینی آنها تقویت شده است. مثلاً خانم گریس هالسل، نویسنده کاتولیک امریکایی در کتاب پیشگویی و سیاست نوشته است که اسرائیل بر کشورهای عربی همجوار خود پی‌درپی پیروز می‌شود و اوج این پیروزی‌ها حمله به جنوب لبنان است. در یک نظر سنجی که مؤسسه پنکیلو فینش در سال ۱۹۸۴ انجام داده مشخص شده است که ۳۹ درصد از مردم آمریکا ایمان دارند که جهان با سلاح‌های آتشین نابود خواهد شد.

در همین حال، تحقیقاتی که مؤسسه آمریکا، نلسن، انجام داده است نشان می‌دهد که ۶۱ میلیون امریکایی همواره از مبشرین شنیده‌اند که می‌گویند ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم تا از وقوع جنگ اتمی جلوگیری کنیم.

حامیان مسیحیت صهیونیست شامل ده‌ها انجمن است که سفارت مسیحیت، واقع در اورشلیم، از مهم‌ترین آن به شمار می‌آید.

امروز یکی از برجسته‌ترین نمایندگان این جریان و خطرناک‌ترین آنها، جماعتی است که سفارت بین‌المللی مسیحیت نام دارد. این سفارت در سال ۱۹۸۰ تشکیل شد و واکنشی به اقدام ۱۳ دولتی بود که سفرای خود را از قدس فراخوانده بودند. دولت‌های یادشده بعد از آنکه اسرائیل، شهر قدس را به عنوان پایتخت ابدی خود معرفی کرد، به نشانه اعتراض، دست به این اقدام زدند.

سفارت بین‌المللی مسیحیت در ۵۰ کشور جهان شعبه دارد و در ایالات متحده نیز ۲۰ سرکنسولگری دارد که وظیفه آنها تبلیغات مختلف و جمع‌آوری کمک‌های مالی و جنسی و بازاریابی

برای کالاهای اسرائیلی است. از فعالیت‌های این سفارت، باید به برگزاری کنفرانس بین‌المللی رهبران مسیحی صهیونیست اشاره کرد که در اوت سال ۱۹۸۵ در سوئیس تشکیل شد و نتیجه‌اش صدور بیانیه‌ای بود که شرکت‌کنندگان در آن، ضمن تأکید بر مواضع سنتی مؤید دولت اسرائیل، به دولت و شهروندان اسرائیلی به سبب دستاوردهای چهل سال اخیرشان تبریک گفتند و از همگان خواستند قدس را پایتخت اسرائیل بشناسند و یهودا و سامره (کرانهٔ باختری) را بخش‌هایی از سرزمین اسرائیل بدانند. سران صهیونیست مسیحی در این بیانیه هم‌چنین به ملت‌هایی که با ملت یهود دشمن هستند، هشدار دادند. (WWW.qodstv.537.htm)

در سال ۱۸۰۹ م/ ۱۱۸۷ هـ در لندن کلیسای انگلستان «جامعهٔ خدمات روحانی کلیسا برای یهودیان» را تأسیس کرد. اهداف این جامعه به قرار زیر است:

۱. تبلیغ ریشه‌های یهودی دین مسیحیت در بین مسیحیان جهان؛

۲. کوشش برای مهاجرت یهودیان از سراسر جهان به سرزمین فلسطین و تأسیس کشور صهیونیستی به نام اسرائیل در فلسطین.

یکی دیگر از مؤسسات فعال پروتستان‌ها که برای مهاجرت یهودیان به فلسطین فعالیت گسترده دارد «سفارت بین‌المللی مسیحیت در بیت‌المقدس» است. در این مؤسسهٔ بین‌المللی تمامی کلیسای پروتستان‌نیم عضویت دارند و برای انتقال یهودیان به فلسطین کمک‌های مالی زیادی به دولت اسرائیل و یهودیان در جهان می‌کنند.

از دیگر مؤسسات فعال پروتستان‌ها که برای انتقال یهودیان به فلسطین کوشش می‌نمایند می‌توان از این مؤسسات یاد کرد:

«دوستان مسیحی اسرائیل»؛ «دوستان نیایش مسیحیت برای اسرائیل»؛ «پل‌های صلح».

این مؤسسات پروتستان‌ها با دریافت کمک‌های مالی از دولت‌های مسیحی امریکا و اروپا و مسیحیان سراسر جهان هزینهٔ مهاجرت یهودیان به سرزمین‌های فلسطین اشغالی را می‌پردازند.

برنامهٔ کنونی این مؤسسات پروتستان که در دست اقدام است انتقال بیش از یک میلیون یهودی از کشورهای مختلف، مخصوصاً از شوروی سابق و اروپای شرقی، به مناطق اشغالی فلسطین در سال ۱۹۶۷ م/ ۱۳۴۶ هـ است و آریل شارون، نخست‌وزیر وقت نژاد پرست اسرائیل، نیز طرح‌های عملی

برای اجرای این طرح وسیع مهاجرت بیش از یک میلیون یهودی به مناطق فلسطین اشغالی را رسماً اعلام کرده است. (ضابط)

ریشه‌های دینی رویکرد مسیحیت صهیونیسم به آخرالزمان

الف) اصل خداشناسی مسیحیان صهیونیست بر اساس عقیده به بازگشت مجدد به سرزمین موعود و وعده این سرزمین به ابراهیم، اسحاق، یعقوب و یوسف داده شده و ابدی است. بنابراین، آنها به دعا و تقویت یهودیان می‌پردازند تا به جایی که خدا به آنها عطا کرده بازگردند و آن را اشغال کنند؛ از آن رو معتقدند: خداوندی که بنی اسرائیل را متفرق نمود دوباره آنها را جمع می‌کند (کتاب دوم توران، ۱/۴۰-۶؛ ارمیای نبی، ۱۰/۳۱؛ اشعیا، ۱۱/۱۱-۱۲)

وظیفه کلیسا این است که راحتی و برکت اسرائیل را تأمین کند. اگر کلیسا در انجام این وظیفه درماند؛ برکت خداوند را از دست می‌دهد. «و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند» (سفر پیدایش، ۳/۱۲)

به عقیده مسیحیان صهیونیست، وظیفه کلیسا این است که به عملیات بازگردانی و استقرار مجدد کمک کرده از آنها حمایت کند، راحتی آنها را تأمین کند و بقای مردم منتخب خداوند را متعهد شود.

ب) برگزیدگی. به عقیده مسیحیان صهیونیست، یهودیان مردم برگزیده خداوند باقی می‌مانند و ارتباطی منحصر به فرد و ناگسستنی با او دارند. با نگاه به تعلیمات کتاب عهد جدید در باب ملت خداوند، خدا هیچ‌گاه مردم یهود را رد یا جایگزین نکرده است: «ولکن چنین نیست که کلام خدا ساقط شده باشد؛ زیرا همه کسانی که از اسرائیل اند، اسرائیلی نیستند و نه نسل ابراهیم تماماً فرزند ابراهیم هستند.» (رومان، ۹/۶-۷)

ج) دیدگاه مبتنی بر کتاب مکاشفات دریاب آینده: اساس خداشناسی مسیحیت صهیونیستی عقیده به بخش‌گرایی و وضع احکام دینی در هر دوره و عصر است. بر اساس این عقیده، خداوند جهان را از آغاز تا پایان بر اساس جدولی تدبیر کرده که به هر دوره از آن یک بخش گفته می‌شود. اسرائیل نقش مهمی را در آخرین دوره بازی می‌کند. زمانی که می‌خواهد دوباره به کشوری مستقل تبدیل شود، معبد را بازسازی کند، مقام کشیشی و طریقه و روش فداکارانه را بنیاد نماید. معتقدین به بخش‌گرایی، اسرائیل

و کلیسا را مجزا می‌دانند و بر این باورند که خداوند تا آغاز جنگ آرماگدون با هر دو، به صورت جداگانه، کار می‌کند. سپس عیسی مسیح (ع) به عنوان پادشاه یهودیان باز می‌گردد و از تخت خود در معبد بازسازی شده در اورشلیم بر کل ملت‌ها حکمرانی می‌کند. در آخرین جنگ اسرائیل نابود خواهد شد و صدها هزار یهودی خواهند مرد.

بخشی‌گرایان سال‌ها به دنبال علائم و اجرای پیشگویی‌ها بوده‌اند. اعلامیه کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و جنگ ۱۹۶۷، هر دو، به عنوان اجرای این پیشگویی‌ها با نادیده گرفتن وضع اعراب فلسطینی و، بخصوص، مسیحیان عرب فلسطینی ملاحظه شده است. تمام حوادث جاری، به عنوان تابلوی راهنمای بازگشت دوباره عیسی مسیح (ع) تعبیر می‌شوند. جداول پیشگویی سناریوی بازگشت دوباره عیسی مسیح (ع) را مجسم می‌کنند.

حوادث - حتی حادثه همه‌سوزی توسط هیتلر - همه به عنوان وسایل تدبیر شده خداوند برای داوری مورد توجه واقع شده‌اند. بنابراین هیتلر هم، که معتقد به کتاب مقدس نبود، با فرستادن مردم حفظ شده به سرزمین حفظ شده به اجرای یک پیشگویی برجسته کمک کرد.

این کاملاً بدیهی است که، بدون اسرائیل، برنامه‌های مبتنی بر پیشگویی مسیحیان صهیونیست، تمام تئوری‌های جدایی‌طلبانه و اجزای آنها، همگی از بین خواهند رفت. از این رو، مسیحیان صهیونیست علاقه خاصی به کشور اسرائیل دارند. برای آنها، این موضوع، جنگ بین دو قوم برای رسیدن به صلح نیست؛ بلکه به حقیقت پیوستن جدی پیشگویی‌ها و بازگشت مسیح، با شکوه و افتخار و اجرای اراده کامل خداوند است. مسیحیان صهیونیست راغب نیستند به هیچ تفسیر دیگری از کتاب مقدس و هیچ تعلیم ساده‌ای از آن با توجه به عدالت و صلح، توجه کنند. (←WWW.Khaligefars)

اهداف صهیونیسم مسیحیت

اهداف مسیحیت صهیونیسم، به اجمال، این است:

۱. تشویق و دلگرمی در گفتگوهای یهودیان و مسیحیان؛ ۲. مقابله با افکار ضد یهودی؛ ۳. آموزش با نگرش به ریشه‌های یهودی دین مسیح که این برنامه در ۲۰۰ مدرسه با ۱۰۰۰۰۰ دانشجو اجرا می‌شود؛ ۴. اقدامات بشر دوستانه در میان پناهندگان یهودی؛ ۵. مخالفت با مقامات یهودی میانه‌رو که

به دنبال روش‌های مصالحه‌جویانه برای صلح در فلسطین هستند؛ ۶. سوءاستفاده از مسیحیت برای توجیه اعمال ضد حقوق بشر.

یکی از ابزارهای مهم این گروه محاصره‌هالیوود است. ۸۵٪ از سرمایه‌هالیوود متعلق به صهیونیست‌هاست، از این رو، آنها به راحتی می‌توانند جهت رواج نظریات خود به فیلم‌های سینمایی متوسل شوند. از جمله فیلم‌های آرماگدون، ماتریکس، شمارش معکوس تا آرماگدون، امگا کد یا مگیدو. بسیاری از کارگردانان و بازیگران معروف سینما صهیونیست هستند و در خدمت منافع اسرائیل فعالیت می‌کنند. از میان ۱۴۰۰ رادیوی مذهبی در دهه ۹۰ در امریکا، ۴۰۰ رادیو در دست بنیادگرایان پروتستان است که در آن ۸۰۰۰ کشیش پیرامون نظریات صهیونیستی خود تبلیغ می‌کنند. برنامه‌های تلویزیونی عامه‌پسند بنیادگرایان مسیحی حدود ۶۰۰۰۰۰۰۰ بیننده در امریکا دارد. آنها در فعالیت‌های خود تبلیغ می‌کنند که صلح نتیجه‌ای دربر ندارد و باید به دنبال جنگ بود و با استناد به آیات انجیل اثبات می‌کنند که اکنون در آخرالزمان حضور داریم (نظریه جنگ تمدن‌ها).

آثار این تبلیغات در امریکا به حدی است که ۲۵٪ از مردم عملاً به این فرقه پیوسته‌اند و بیشتر مردم امریکا معتقدند که به برکت حمایت دولیشان از رژیم صهیونیستی است که خداوند به آنها روزی و نعمت می‌دهد. مردم جهان نیز از این تفکرات بی‌بهره نیستند. سربازان اسپانیا شرکت‌کننده در جنگ عراق خود را نمایندگان مسیح می‌دانند و از علائم جنگ‌های صلیبی استفاده می‌کنند.

نتیجه

براستی حمله به شهر غزه و کشتار مردم بیگناه این سرزمین توسط چه گروه‌هایی صورت گرفته است؛ جنگ نابرابری که در آن هزاران زن و کودک به ناحق کشته شده‌اند. چه تفکری در ورای حمله اسرائیل به شهر مظلوم غزه وجود دارد؟ همچنین چه توجیهی برای این حمله می‌توان یافت؟ به نظر نگارنده، عامل اصلی حمله اسرائیل به شهر غزه تفکر صهیونیسم مسیحیت است و تا زمانی که این تفکر ادامه پیدا کند همچنان جنگ و خونریزی در منطقه خاورمیانه و خصوصاً فلسطین خواهد بود. وظیفه ما دانش‌پژوهان این است که ماهیت جعلی این فرقه را باز شناخته و سپس به مقابله فکری با چنین

منابع

جرجور، ریاض، «صهیونیسم مسیحی یا صهیونیسم امریکایی»، www.qodstv.ir/maghalat.php?id=537؛
گارودی، روزبه (۱۳۶۹)، *پرونده اسرائیل و صهیونیسم سیاسی*، ترجمه نسرین حکمی، ص ۸، وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، تهران؛

ضابط، حیدررضا، «نگاهی به جریان نوظهور صهیونیسم مسیحی در پروتستانیزم» نشریه *مشکوٰه*، شماره ۷۴ و ۷۵؛

المسیری، عبدالوهاب (۱۳۷۴)، *صهیونیسم*، ترجمه لواء رودباری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران؛

www.Bashgah.net/pages-10673.html;

شیرودی، مرتضی، www.bashgah.net/pages-9818.html؛

www.bashgah.net/pages-10673.html;

www.qodstv.ir/537.html-19;

www.qodstv.ir/537.htm■

Archive of SID